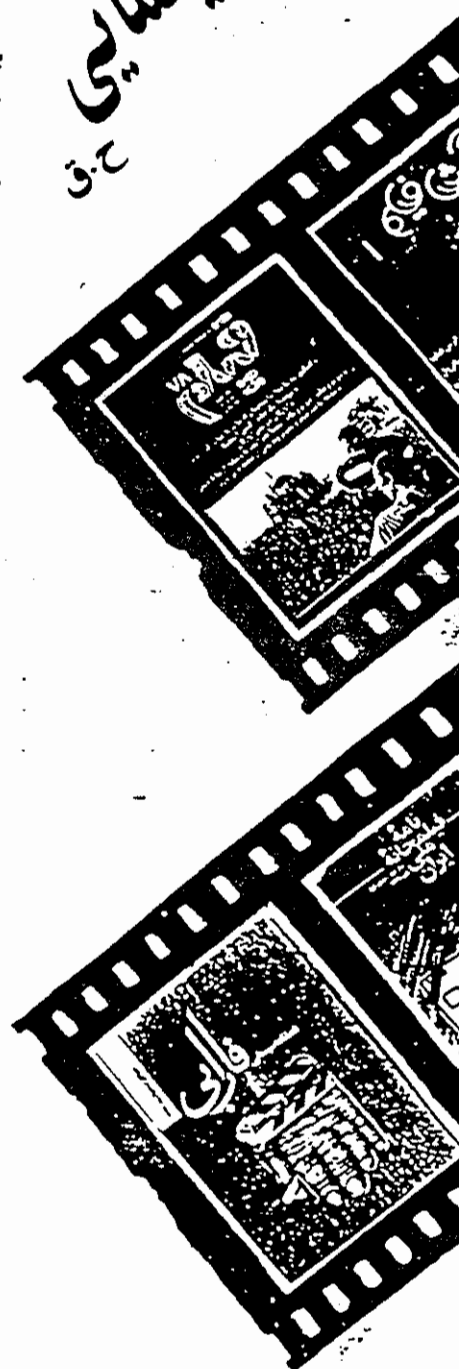


مطبوعات سینمایی

ح ق



بهار امسال، دو نشریه جدید سینمایی روی پیشخوان دکه‌های روزنامه‌فروشی قرار گرفت. یکی از این دو فصلنامه «کتاب فیلم و سینما» است و دیگری ماهنامه «فرهنگ و سینما». کتاب فیلم و سینما را شرکت «انتشارات خردمند»، زیر نظر «بهمن دری‌اخوی» منتشر می‌کند، و فرهنگ و سینما را که وابسته به «مراکز فرهنگی و سینمایی» است، «علی پورفردوس» اداره می‌کند. چنانچه خبر می‌رسد، نشریه سینمایی دیگری هم به تازگی به وسيله سيد ابراهيم نبوی منتشر شده است. در وانفاسی کنونی بحران کاغذ، معمولاً نگرانی دانشی عدم تداوم نشریه‌هایی از این دست، برخوردار است. زود هنگام ناشی از شروع انتشارشان غلبه دارد. در یکی-دو سال اخیر، دست‌کم سه نشریه دیگر، به عرصه مطبوعات سینمایی گذاشته‌اند که سرزشتی مشابه داشته‌اند. در این میان کتاب سروش (سینما-۱)، که در پائیز ۱۳۶۷ و به کوشش سيد ابراهيم نبوی منتشر شد فضل تقدم دارد. این نشریه قرار بود هر سه ماه یک بار منتشر شود و ماهنامه فیلم را که از سال ۱۳۶۱ یک‌هفته‌ای تاکنون مطبوعات سینمایی بود، از تنهایی درآورد. اما اکنون که طبق قاعده می‌باید شماره هفتم آن هم منتشر شده باشد، هنوز به شماره دوم نرسیده است. دومین نشریه، فصلنامه سینمایی فارابی بود که در زمستان ۱۳۶۷ به بازار آمد. شماره دوم این نشریه در موعد مقرر منتشر شد، اما شماره سوم آن که می‌بایست در تابستان ۱۳۶۸ منتشر می‌شد، در اواخر سال گذشته از زیر چاپ درآمد، حال آنکه اکنون باید شاهد ششمین شماره (با شماره دوم سال دوم) آن باشیم. فصلنامه سینمایی فارابی را بنیاد سینمایی فارابی، به کوشش «محمود ارژمند» منتشر می‌کند. آخرین نشریه در این زمینه، «ناسا» فیلمخانه ملی ایران است که به صورت فصلنامه منتشر می‌شود و تاکنون دو شماره آن (پائیز و زمستان ۶۸) به چاپ رسیده است. ناشر آن، فیلمخانه ملی ایران است و زیر نظر معضفی اسلامی اداره می‌شود. با این حساب قهرمان پوست کلفت میدان وضعیت نشریه‌های سینمایی را باید ماهنامه فیلم دانست که با همه فرازونشیها، اکنون خود را در هشتمین سال انتشار می‌بیند و بزودی به صدمین شماره خواهد رسید. گذشته از نشریه‌های اختصاصی سینما، مطبوعات دیگر نیز هر یک با کم و کیفی متفاوت از دیگری، صفحه یا صفحه‌هایی را به فیلم و سینما اختصاص داده‌اند. هفته‌نامه سروش از این لحاظ، یک سر و گردن از رقیبهای هنگی خود پیشتر است.

پس از آن، باید از ماهنامه جدید الولاده سوره یاد کرد که اکنون به دومین سال انتشار مرتب خود رسیده است. این دو نشریه، مقوله فیلم و سینما را از همگنان خود جدیتر گرفته‌اند یا دست کم از نظر کمی اهمیت بیشتری برای آن قائل شده‌اند. اما مطبوعات هنگی و ماهانه دیگر، کمابیش دنباله روجریان پرنوسان حیات سینمایی کشور بوده‌اند که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. نگاهی گذرا به مطبوعات سینمایی یاد شده، تفاوت‌های بارزی را میان آنها و نسل پیشینشان، و نیز میان خودشان نشان می‌دهد. از جهت ظاهری همه این مطبوعات از نسیم ملایم پیشرفت و ترقی ویرایش فنی، صفحه‌پردازی و از همه مهتر گرافیک، در درجه‌های متفاوت، طرفی بسته‌اند. همچنین پیشرفت کار چاپ و صحافی و بهبود امر تولید فنی کالاها و چاپی که با وجود همه کمبودها حاصل شده است، در مجموع موجب استحکام و زیبایی ظاهری بیشتر این نشریه‌ها شده است. مقایسه سطحی میان تولیدات چاپی سالهای اخیر با سالهای دور-مثلاً ده سال پیش یا بیشتر از آن-میرسد این ادعاست: این پیشرفت‌ها که هنوز تا رسیدن به سطح مطلوب فاصله دارد، در مورد مطبوعات سینمایی هم صادق است. مثلاً می‌توان نگاهی انداخت به کاغذ خوب و چشم‌نواز و حرفه‌بینی متحرک و زیبا و گرافیک شیک و دلنواز کتاب سروش (سینما-۱) و فصلنامه سینمایی فارابی. از این جهت، نامه فیلمخانه ملی ایران و فرهنگ و سینما در درجه‌های بعدی قرار می‌گیرند. ماهنامه فیلم نیز هنوز از سر صفحه‌آرایی شیخ و سرگیجه‌آور و حرفه‌چشم‌گیر کن خلاص نشده است چنانچه شرش گریبان خواننده را هم می‌گیرد. البته در همه این موارد سلیقه رکن اساسی داور است که دوباره آن، میان همگان، بویژه خواننده و نگارنده این سطوح لزوماً توافقی برقرار نیست. از شکل و شمایل ظاهری که بگذریم، مطبوعات سینمایی ما از جهت محتوا نیز تا حد زیادی از اجدادشان متفاوت شده‌اند در وهله اول، و من حیث المجموع، فضای روانی نوشته‌ها از سلامت بیشتری برخوردار شده است. با وجود آنکه هنوز فاصله سنتی و سابقه دار بین منتقدان و بینمازان پرنشده و دو طرف با بهره‌جویی از فرصت همیجان به جدالهای قلمی که گاه عنان ادب از کف می‌دهد، مشغولند، اما از هتاکها و فحاشیهای مألوف گذشته و نیز جنجال آفرینیهای مطبوعاتی کمتر نشانی به چشم می‌خورد. اگر چه پرونده این مسئله کاملاً هم سفت

سریک نیست، اما دست کم هنوز، چندان قصور است که مایه نگرانی باشد.

ز سوی دیگر، همراه با روی آوردن تماشاگران سنتی سوسیالیست دختی و نیز محدودیت‌های جنبش بی‌سببی خارجی، مضبوطات سینمایی نیز از گذشته به سینمای ملی مایه‌پرداخته‌اند. در واقع به تقاضا در اینجا هم کارساز واقع شده است. کلی این مبادله البته در نهایت به سینمای ملی می‌رسد که می‌تواند در ارتباط خلاق با نظارت سوسیالیستی که از رهگذر مضبوطات می‌تواند حاصل خود را بی‌الایه و صیقل دهد. از طرف دیگر، بلافاصله امکان نقد تاریخی و اجتماعی سینمای شسته ایران راهم فراهم کرده است. این نقد اگر چه نه از سر ضرورت امام‌محمولاً با ابعاد وسیعی همراه است، پیش از این نمی‌توانست مجال زیاده‌یاد، و شاید هم از این رو بود که سینمای پیش از انقلاب ما هیچ‌گاه خود را در معرض یک نقد جدی اجتماعی نمی‌دید. در هر حال برغم تحولات سیاسی که اکنون هر قلم به دستی خود را در روبروی می‌بیند، میدان نقد اجتماعی و تاریخی سینمای ایران و جهان باز است و مضبوطات سینمایی هم تا آنجا که میسر است به آن می‌پردازند. اما چه در کنار این حسن نسبی به عیبی مطلق بدل شده چندان حضور چشمگیر دیدگاهی علمی، بویژه در زمینه علوم انسانی و اجتماعی، در مضبوطات سینمایی است. این مسئله تا حد زیادی از بی‌گونی دانش دست‌اندرکاران و بویژه نویسندگان منتقدان سینمایی ما ناشی می‌شود؛ دانشی که معمولاً منحصر به تجربه سینمایی و دانش فنی محدود اکثر، تاریخی سینماست و اغلب فاقد زمینه‌های شوریک علمی است. در هر حال، صرف نظر از این داوری‌ها، آنچه مسلم است، این است که برقراری ارتباط محکم میان سینما و علوم انسانی و اجتماعی در مضبوطات و پیوند برقرار کردن بین دانش سینمایی خوانندگان و حوزه‌های علمی بیرون از سینما، به افزایش سطح آگاهی علاقه‌مندان سینما کمک می‌کند.

با این همه، مضبوطات سینمایی موجود را نمی‌توان به تمامی به یک چوب راند. فصلنامه سینمایی فارابی می‌گوید تا ابعاد عمومی فنی و فرهنگی سینما و حوزه‌های پیرامون آن را مطرح کند. نامه فیلمخانه ملی ایران جنبه‌های تاریخی و سیاسی-اجتماعی را مهتر تلقی کرده است. فرهنگ سینما نیز قرار است در هر شماره، از زاویه‌های خاص به سینما بنگرد چنان که در اولین

شماره به بحث زیبایی‌شناسی پرداخته است. مطلبی‌هایی با عنوان‌های «مغز انسان و درک زیبایی»، «بنیان‌های زیبایی‌شناسی فیلم»، «روزنه‌ای به دنیای رنگ» و «زیبایی‌شناسی در فنر و فرهنگ عامه» می‌تواند گام‌هایی مندمتی در جهت پرکردن خلاءهای یاد شده تلقی شود. کتاب فیلم و سینمای انتشارات خردمند به جنگی که از سرشتاب فراهم آمده، بیشتر مانده است تا به یک فصلنامه که علمی‌القاعده می‌بایست از نظر سطح مطالب، خود را از امور روزمره تا حد ممکن، بپیراید. کتاب سزوش در وادی سینما منحصر شده و هر چند از جهت فنی و تخصصی مفید است، اما رشته‌های ارتباط خود را با حوزه‌های دیگر تا حد زیادی قطع کرده است. مجله فیلم‌صورت و محتوا را سازگار کرده و آشفتگی ظاهر را به باطن هم سرایت داده است شاید از همین روست که مطالبی در همه سطح را می‌توان در آن دید.

از طرف دیگر، این واقمیت که مجله فیلم تا مدت‌ها تنها مجله سینمایی کشور بوده، می‌تواند عاملی برای سوق به سوی این سنت پا برجای باشد.^۲

در هر حال، آنچه مسلم است اینکه گوناگونی نشریه‌های سینمایی امری است پسندیده و بی‌مغز، و رقابت میان آنها می‌تواند به ارتقاء سطح کیفی‌شان کمک کند و هر یک رابه سوی مخاطبان خاص خود سوق دهد. هر چند، این نکته از لحاظ اقتصاد مضبوطات اثبات شده نیست که تخصصی شدن نشریه‌ها موجب پایداری اقتصادی بیشتر آنها شود. با این حال، تخصصی شدن به نشریه‌ها امکان انتخاب دقیق‌تر طیف مخاطبانشان را می‌دهد و این امر، به نوبه خود، موجب یکدمتی مطالب شده، پل ارتباطی نویسنده و خواننده را محکم می‌کند. به این ترتیب، خواننده نشریه‌ای معین از آن پس می‌داند که باید در انتظار چه نوع مطالبی باشد و می‌کوشد انتظار خود را با نوع مطالب نشریه‌های مختلف هماهنگ کند و این در واقع، همان نطفه‌های رقابت سالم برای پاسخ به نیازهای خوانندگان است. این شیوه رقابت که در نهایت خود را در تیراژ میزان و قیمت آگهی‌ها و قیمت فروش نشریه منعکس می‌کند، اقتصاد کار مضبوطاتی را معین می‌کند و میان آن وسیقه مخاطبان پل می‌زند.

نکته دیگری که در پایان این حاشیه‌ها باید افزود، این است که رشد کمی و کیفی مضبوطات سینمایی مابا رشد کمی و کیفی فیلمهای تولیدی سینمای ایران و دانش و فرهنگ سینمایی تماشاگران

ارتباط داشته است. البته ادعای برقراری رابطه علی و یا حتی برقراری همستگی آماری میان این سه عامل، امری است دشوار که باید با اتکالی به تحقیق صورت گیرد (تحقیقی که فقدان پیوسته سینما رو و سینماگر و سینمانگار ما را به یکسان رنج داده است). با این حال و به غیر خلاصه می‌توان گفت که هر چند افزایش تعداد مضبوطات سینمایی با تأخیر نسبت به افزایش کمی فیلمهای تولید شده در داخل صورت گرفته است، اما میان افزایش تعداد نشریه‌های سینمایی و نیز رشد کیفی آنها با ارتقای سطح فکری و فرهنگی تماشاگران فیلم در ایران و نیز جلب توجه عمومی به سینما رابطه متقابل برقرار بوده است. نمود آشکار این امر را می‌توان در گرایش رقیق اما محسوس تماشاگران نسبت به سینمای فکراته ملی ملاحظه کرد که نقش مضبوطات سینمایی در ایجاد زمینه‌های لازم برای پدید آمدن آن را نمی‌توان انکار کرد. اینکه این گرایش در آینده و بویژه با انقلاب در تکنولوژی ارتباطات در برابر هجوم امواج فرهنگی و بصری تاجه حد پایداری نشان خواهد داد، امریست که جداگانه باید مورد بحث قرار گیرد. اما دست کم می‌توان گفت که مضبوطات سینمایی ما در تغییر گرایشهای تماشاگران ایرانی نسبت به معیارهای داوری در مورد فیلم و سینما به پیرویهایی دست یافته‌اند و متقابلاً باز خود این تغییر گرایش را در کار خود باز تابانده‌اند. ■

پانوشنا

۱- البته باید از استثنای مورد قاعده در گذشت.

۲- ناشران خصوصی البته در این موارد معمولاً درست با نادرست تصریها را به گردن اسکانات ناشران دولتی و بر بی‌پناهی خود می‌اندازند. این نکته سبز شایان یادآوری است که فصلنامه‌های «کتاب سروز»، «فارابی» و «نامه فیلمخانه ملی ایران» و «ماهنامه فرهنگ و سینما» را ناشران دولتی با کمک گهرنیه از دولت، منتشر می‌کنند. حال آنکه نشریه‌های «کتاب فیلم و سینما» و «فیلم» و «ریش خصوصی» منتشر می‌کند.